

تدوین الگوی مؤلفه‌های فردی - اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی شهری با رویکرد ارتقا شاخص‌های توسعه‌ی شهری (مورد پژوهی: میدان تجریش شهر تهران)^۱

منا صدراپی: دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران
حمیدرضا صارمی*: دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
آرش بغدادی: استادیار، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران

چکیده

کیفیت زندگی مفهومی چندبُعدی است که از برهم‌کنش شاخص‌های عینی "مانند زیرساخت، حمل‌ونقل و خدمات شهری" و شاخص‌های ذهنی "مانند رضایت، حس تعلق و ادراک امنیت" شکل گرفته است. این پژوهش با هدف بازشناسی و تبیین مؤلفه‌های کلیدی کیفیت زندگی در فضای عمومی شهری، با تمرکز بر میدان تجریش تهران انجام شده است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مرور منابع، بازدید میدانی و پرسشنامه و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و اخذ نظر خبرگان (دلفی) برای استخراج و تدقیق شاخص‌ها استفاده گردید. در مرحله کمی، پرسشنامه‌ای مبتنی بر طیف لیکرت تدوین و پس از پالایش داده‌ها، نتایج با استفاده از آزمون‌های پارامتریک یا ناپارامتریک، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) برای رتبه‌بندی شاخص‌ها تحلیل شد؛ و نشان‌دهنده این امر بود که معیار تصمیم‌گیری در این آزمون سطح معناداری است. جامعه آماری انجام مصاحبه با خبرگان ۱۵ نفر و بخش کمی با پرسشنامه ۵۴ نفر است. درنهایت، با کنار هم گذاشتن این دو دسته یافته، الگوی نهایی مؤلفه‌های فردی-اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی میدان تجریش استخراج و پیشنهادهای کاربردی برای ارتقای شاخص‌های توسعه شهری ارائه شد که نشان می‌دهد از منظر استفاده‌کنندگان فضا، «دسترسی به حمل‌ونقل عمومی»، «حس تعلق به مکان»، «کیفیت محیطی فضای تجاری» و «ادراک امنیت اجتماعی» در میان شاخص‌های اثرگذار، رتبه بالاتری دارند. درنهایت، مدل مفهومی نهایی پژوهش چارچوبی تحلیلی برای سنجش و ارتقای کیفیت زندگی در فضاهای عمومی با کارکردهای فرامنطقه‌ای مشابه ارائه شد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی؛ فضای عمومی شهری؛ میدان تجریش؛ تهران؛ شاخص‌های عینی و ذهنی.

Developing a Model of Individual-Social Components of Quality of Life in Urban Public Space with the Approach of Improving Urban Development Indicators (Case study: Tajrish Square, Tehran) Abstract

Quality of life is a multidimensional concept that is formed from the interaction of objective indicators "such as infrastructure, transportation and urban services" and subjective indicators "such as satisfaction, sense of belonging and perception of security". This research aims to identify and explain the key components of quality of life in urban public space, focusing on Tajrish Square, Tehran.

The present study was conducted using a descriptive-analytical method based on review sources, field visits, semi-structured questionnaires, interviews, and expert opinion (Delphi) to extract and refine the indicators. In the quantitative phase, questionnaires were developed based on Likert and after refinement, the results were analyzed using linear or non-parametric tests, using the Kolmogorov-Smirnov (K-S) test to rank the indicators. This indicated that the quality of decision-making in this test was significant. The statistical population for interviews with experts was 15 people and the quantitative part with a questionnaire was 54 people. Finally, by combining these two sets of findings, the final model of the individual-social components of the quality of life in the public space of Tajrish Square was extracted and practical suggestions were presented for improving urban development indicators, which showed that from the perspective of space users, "access to public transportation", "sense of belonging to the place", "environmental quality of commercial space" and "perception of social security" have a higher rank among the influential indicators. Finally, the final conceptual model of the research provided an analytical framework for measuring and improving the quality of life in public spaces with similar trans-regional functions.

Keywords: Quality of life; Urban public space; Tajrish Square; Tehran; Objective and subjective indicators.

۱- این مقاله مستخرج از تدوین الگوهای مؤلفه‌های فردی-اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی شهری با رویکرد ارتقا شاخص‌های توسعه‌ی شهری (مورد پژوهی: میدان تجریش شهر تهران) رساله دکتری شهرسازی خانم منا صدراپی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس به راهنمایی دکتر حمیدرضا صارمی و مشاوره دکتر آرش بغدادی است.

* نویسنده مسؤول saremi@modares.ac.ir

۱. مقدمه

رشد سریع شهرنشینی و پیچیدگی‌های زندگی شهری، توجه به کیفیت زندگی را به یکی از اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزی شهری تبدیل کرده است. فضاهای عمومی شهری به‌عنوان بستر تعاملات اجتماعی، نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی ایفا می‌کنند (Carmona, 2021). در دهه‌های اخیر، توجه به کیفیت زندگی شهری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی شهری افزایش یافته است. فضاهای عمومی شهری به دلیل نقش مهمی که در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و تجربه زیستی شهروندان دارند، به‌عنوان بستر اصلی تحقق این مفهوم شناخته می‌شوند. کیفیت این فضاها نه تنها بر رضایت فردی بلکه بر انسجام اجتماعی و پایداری شهری تأثیرگذار است.

در ادبیات برنامه‌ریزی شهری، کیفیت زندگی به‌عنوان شاخصی چندبعدی، بازتابی از شرایط عینی محیط و ادراک ذهنی شهروندان تلقی می‌شود (پاکزاد، ۱۳۹۶)؛ و فضاهای عمومی، به‌ویژه میدان‌های شهری، به‌عنوان بستر تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های روزمره، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری این ادراک دارند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۴). با وجود اهمیت فضاهای عمومی در ارتقای کیفیت زندگی، بسیاری از این فضاها در شهرهای بزرگ با چالش‌هایی مانند ازدحام، آلودگی، کاهش امنیت و افت کیفیت تعاملات اجتماعی مواجه هستند. در میان فضاهای عمومی، میدان‌ها به‌عنوان گره‌های شهری، اهمیت ویژه‌ای دارند.

میدان تجریش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی شهر تهران، به دلیل موقعیت خاص، حضور فعالیت‌های متنوع و تمرکز کاربری‌های مذهبی - تجاری، دسترسی بالای حمل‌ونقل عمومی و حضور گسترده کاربران، نمونه‌ای مناسب برای سنجش کیفیت زندگی در فضای عمومی است. هرچند میدان تجریش نیز به‌رغم سرزندگی بالا، با مشکلاتی نظیر تراکم جمعیت، ترافیک و کمبود زیرساخت‌های رفاهی روبه‌رو است؛ و بدین جهت بررسی کیفیت زندگی در فضاهای عمومی شهری نه تنها اهمیت نظری دارد، بلکه از نظر کاربردی نیز می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های شهری مؤثر واقع شود. ارتقای کیفیت زندگی در میدان تجریش به‌عنوان یک نمونه شاخص، می‌تواند الگویی برای برنامه‌ریزی در سایر فضاهای عمومی پرتراکم شهر تهران مورد استفاده قرار گیرد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در میدان تجریش چیست و کدام مؤلفه‌ها بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی در میدان تجریش دارند؟ و دز این راستا مدل مفهومی نهایی کیفیت

زندگی در این محدوده چگونه تبیین می‌شود؟

۲. پیشینه نظری و تجربی پژوهش

پژوهش‌های بین‌المللی نشان داده‌اند که کیفیت زندگی در شهرها نیازمند توجه به پیوند شاخص‌های عینی و ذهنی است (Marans & Stimson, 2011; Erciyes, 2020). مطالعات اخیر نیز به ابعاد چندلایه کیفیت زندگی و اهمیت زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی تأکید کرده‌اند (Carrère et al., 2020). در ایران نیز پژوهش‌هایی در زمینه کیفیت زندگی شهری انجام شده است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۶؛ رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷).

۱-۲. پژوهش‌ها و تجربیات داخلی

نفیسه مرصومی و علیرضا لاجوردی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای تطبیقی کیفیت زندگی شهری در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت زندگی شهری در شهرهای مرکزی و شمال کشور در تمامی بخش‌ها بهتر از سایر شهرهای کشور می‌باشد. بیشتر این شهرها در دایره‌ای فرضی که از اصفهان شروع می‌شود و پس از گذشتن از تهران، قزوین و سمنان شهرهای ساری، گرگان و رشت را در برمی‌گیرد، قرار دارند. شهرهای نیمه شمالی و نیمه غربی کشور از لحاظ فرهنگی-اجتماعی و شهرهای نیمه شرقی و نیمه جنوبی کشور از لحاظ اقتصادی وضعیت بهتری دارند. علی رحمانی فیروزجاه و سعدیه سهرابی (۱۳۹۴) در بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین مبلمان شهری و کیفیت زندگی به این نتیجه رسیدند که بین میزان دسترسی مبلمان شهری و ابعاد کیفیت زندگی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و به‌طور کل نتیجه تحقیق پس از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، حاکی از آن است که مبلمان شهری از بین مجموعه عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی نقش مهمی را ایفا می‌نماید. ارزیابی کیفیت زندگی شهری در محله یافت‌آباد تهران توسط محمدباقر قالیباف و همکاران (۱۳۹۰) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده حاکی از این است که وضعیت کیفیت زندگی در منطقه مورد مطالعه در زمینه‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی از دید جامعه نمونه مطلوب نبوده و تنها وضعیت حمل‌ونقل و ارتباطات از دید جامعه نمونه در حد متوسطی ارزیابی شده است. ربابه رجبی امیرآباد و بیژن رحمانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای، ساماندهی سیمای شهری در راستای بهبود کیفیت زندگی شهر ملایر را مورد بررسی قرار داده‌اند. این نتیجه حاصل شده است که زندگی شهری بدون برخورداری از یک سیمای شهری مناسب کیفیت زندگی مناسبی را در شهر ملایر به ارمغان نخواهد آورد. از آنجایی

در سال ۱۳۹۶ خانم صدیقه لطفی، آقای کریم سلیمانی، سید محمد حسنی تبار و محمد خضری احمدآبادی اقدام به ارزیابی بعد عینی کیفیت زندگی شهری در شهرستان رباط کریم نمودند. در این پژوهش از سی و چهار متغیر در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی استفاده شده است که نتایج نشان می‌دهد که غرب شهرستان رباط کریم (شهر پرند) کیفیتی مطلوب و مرکز شهرستان (شهر رباط کریم) دارای وضعیتی بسیار نامطلوب است. با این وجود، محققان شاخص‌های متفاوتی را برای بررسی وضعیت کیفیت زندگی در شهرهای ایران برگزیده‌اند که با توجه به آن‌ها تحقیق حاضر درصدد شناخت شاخص‌های فردی- اجتماعی کیفیت زندگی شهری در فضاهای عمومی و جمعی شهر تهران می‌باشد.

در کتاب کیفیت زندگی شهری که در سال (۱۳۹۷) توسط مجتبی یزدانی نوشته شده است بیان شده است که کیفیت زندگی شهری، در حالی که مفهومی چندبعدی و بینا رشته‌ای است، به‌طور هم‌زمان دارای ابعاد عینی و ذهنی نیز هست؛ از این‌رو، برنامه ریزان و سیاست گذران شهری باید در عین اینکه به شاخص‌های کالبدی و کمی کیفیت زندگی توجه کنند، به رضایت‌مندی، آرزوها و هویت شهروندان نسبت به آن شاخص‌های کمی نیز توجه داشته باشند. کیفیت زندگی و شاخص‌های گسترده کمی و کیفی آن، در امتداد دیگر مؤلفه‌هایی چون محله گرایی، سلامت شهری، بهبود سکونت‌گاه‌های شهری، بهبود مبلمان شهری، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، توسعه انسانی و...، همگی با یکدیگر هم‌افزایی دارند. این کتاب می‌کوشد با نشان دادن شاخص‌های مختلف کمی و کیفی کیفیت زندگی و بررسی آسیب‌شناختی وضعیت ایران از این منظر و ارائه سیاست‌گذاری‌های لازم در راستای آن به روشن شدن نظری و راهکارهای عملی بهبود این مؤلفه در برنامه‌ریزی شهری یاری رساند. هدف این کتاب، پرداختن به کیفیت زندگی به عنوان طرحی پژوهی برای سنجش کیفیت زندگی از زوایای مختلف، بررسی شاخص‌های آن (به‌طور کلی) و ارائه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری معطوف به آن است.

۲-۲. پژوهش‌ها و تجربیات خارجی

مک کریا و دیگران (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «نقاط قوت ارتباط بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری چیست؟» رویکردی تازه و بدیع را در چگونگی سنجش کیفیت زندگی شهری در ادبیات مربوط تدوین کردند؛ آن‌ها همچنین در پژوهش خود از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) برای اتصال شاخص‌های عینی

که ملایر دارای قابلیت‌های گردشگری و توریستی است و با عنایت به اقلیم، فرهنگ و موقعیت خود و تأثیراتی که این شهر در غرب کشور دارد به مقوله سیمای شهری و ساماندهی آن کم‌تر پرداخته شده است.

کیفیت زندگی شهری و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر کرمانشاه توسط مهرداد نوابخش در سال (۱۳۹۱) مورد سنجش قرار گرفت. نتایج تحلیل در رگرسیون نشان داد که متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان تحصیلات، سن، نوع مذهب و منطقه سکونت بر کیفیت زندگی تأثیر داشتند و همچنین میزان میانگین مشاهده شده کیفیت زندگی شهروندان کرمانشاه است که با توجه به میانگین مورد انتظار است.

سنجش کیفیت زندگی در قلمرو بافت فرسوده شهری، مطالعه موردی منطقه ۹ شهر تهران توسط پوراحمد و زارعی در سال (۱۳۹۴) مورد بررسی قرار گرفته شد. نتایج مبین این مطلب است که وضعیت رضایت از ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی معنادار بوده و نشان از کیفیت پایین در این شاخص‌ها دارد. تحلیل و ارزیابی نابرابری‌های کیفیت زندگی در محلات شهری نمونه موردی: شهر فارسان توسط حاجی نژاد و همکاران در سال (۱۳۹۵) مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش گویای آن است که محلات ناحیه دو شهر فارسان در شاخص‌های اقتصادی، با امتیاز ۰/۸۴۱ اجتماعی با ۰/۹۸۱ و کالبدی با امتیاز ۰/۹۳۰ در رتبه اول و محلات ناحیه یک این شهر رتبه آخر را به خود اختصاص داده‌اند.

نقش مفهوم توده-فضا در تبیین مکان معماری عنوان مقاله‌ای است که فلاح و شهیدی در سال ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که سه شاخصه محصوریت، نحوه حرکت و تناسب حاصل نظام توده-فضا، کیفیت مکان معماری را آشکار می‌سازد. دامیار و نازی قمی در مقاله‌ای با عنوان مطالعه تطبیقی مفهوم فضا در معماری بومی و معماری مدرن به ارزیابی این مفهوم پرداخته‌اند. نتایج حاصله از تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های کیفی مفهوم فضا در دو حوزه بومی و مدرن، ارائه شده که نشان می‌دهد معماری تخصص‌گرایی مدرن مفاهیمی از فضا را مبدأ و اصل در کار خود قرار داده است که با انگاره‌های ذهنی انسان (در شکل اصیل بومی خود) متفاوت و گاهی کاملاً متضاد است. ضرغامی و بهروز (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان نقش و مفهوم فضا در بازآفرینی نظریه معماری و علوم اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان معماری را نگرش مسلط دوران ایزاری انگاشت که با تولید فضای انتزاعی موجب تغییرات اجتماعی می‌شود.

و ذهنی کیفیت زندگی شهری استفاده کردند. هدف اصلی پژوهش آن‌ها، تدوین رویکردی نوین در سنجش کیفیت زندگی شهری است. رویکرد اصلی پژوهش آن‌ها بر مبنای سنجش کیفیت زندگی شهری در منطقه جنوب شرقی کوئیزلند با استفاده از تلفیق شاخص‌های عینی و ذهنی بوده است. براساس نتایج این پژوهش می‌توان تمامی اقدام‌های شهرسازی را بر موضوع‌هایی که تأثیر بیشتری بر کیفیت زندگی شهری دارند، متمرکز کرد و از این طریق، به افزایش کیفیت زندگی شهری کمک کرد. در این پژوهش مشخص شد که رابطه ضعیفی میان شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی وجود دارد. از طرف دیگر نمی‌توان اقدام‌های شهرسازی را براساس نتایج کیفیت زندگی شهری و تنها با استفاده از یک نوع شاخص (عینی یا ذهنی) اولویت‌بندی کرد؛ بلکه باید ارتباط بین این دو دسته شاخص و تأثیرگذاری آن‌ها بر کیفیت زندگی شهری، به‌طور مداوم تحلیل شود.

بونز و همکاران (۱۹۹۱) در مطالعه‌ای عواملی را که بر میزان رضایت از محیط تأثیر مثبت دارند و از جمله تراکم اجتماعی در یکی از محلات شهر رم بررسی کردند. در این تحقیق سه دسته عامل شامل تراکم فضایی اجتماعی، امنیت اجتماعی/دوستداری محیط و تسهیلات اجتماعی مورد سنجش قرار گرفتند. به‌طور خاص مطالعه روی کیفیت زندگی شهری می‌تواند زمینه و میزان تقاضا را برای اقدامات عمومی فراهم کند. همچنین اثر مستقیم زیست‌پذیری شهرها برای ساکنان را مشخص می‌کند و پارامترهایی را به وجود می‌آورد که از طریق آن‌ها سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان می‌توانند اثربخشی برنامه‌های خود را ارزیابی کنند. علاوه بر این‌ها، شرایطی را فراهم می‌کند که شهروندان و ساکنان قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب داشته باشند (Marans and Stimson, 2001).

پترا بونک (۲۰۰۷) برای بررسی کیفیت زندگی به بعد ذهنی این موضوع یعنی رضایت از زندگی توجه دارد. او معتقد است که کیفیت زندگی یک جامعه در واقع انعکاس ذهنی افراد جامعه در زمینه رضایت از زندگی است. کامنس کیفیت زندگی ذهنی را به عنوان یک مفهوم چندبعدی تعریف کرده است. به نظر او کیفیت زندگی شامل هفت حوزه زندگی می‌شود که هرکسی برحسب اهمیتی که هر حوزه برای او دارد آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد لذا این هفت حوزه وزن‌های مختلفی از دید مردم پیدا می‌کنند. این هفت حوزه که از آن به عنوان شاخص‌های کیفیت زندگی یاد می‌کند شامل موارد زیر است: ۱. بهزیستی جسمانی؛ ۲. بهداشت؛ ۳. بهره‌وری؛ ۴. صمیمیت؛ ۵. امنیت؛ ۶. اجتماع؛ ۷. بهزیستی عاطفی (چیپور و همکاران، ۲۰۰۲). شوسلر و فیشر (۱۹۸۵) معتقدند که جنبه ذهنی

کیفیت زندگی معمولاً برای بیان حالت‌های وابستگی و رضایت به کار می‌رود مانند حس شخصی از رفاه، رضایت یا ناراضی‌تی از زندگی یا خوشحالی یا ناراحتی. سازمان بهداشت جهانی (WHO) نیز کیفیت زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند؛ درک افراد از جایگاهشان در زندگی با توجه به بافت فرهنگی و نظام ارزشی که در آن زندگی می‌کنند. در این حالت درک افراد از زندگی در ارتباط با اهداف، انتظارات، ملاک‌ها و عقایدشان می‌باشد. سازمان بهداشت جهانی مفهوم وسیعی از کیفیت زندگی را مدنظر قرار می‌دهد که این مفهوم تلفیقی از سلامت فیزیکی، وضعیت روان‌شناختی، سطح استقلال، روابط اجتماعی، اعتقادات فردی و ارتباط این عوامل با ویژگی‌های محیطی می‌باشد. (کارگروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۳). این تعریف از کیفیت زندگی نشان می‌دهد که این مفهوم جنبه ذهنی داشته و در بافت فرهنگی، اجتماعی و محیطی محاط می‌باشد. به عنوان یک تجربه ذهنی، کیفیت زندگی ارزیابی درکی فرد از وقایع و پاسخ عاطفی به این وقایع را شامل می‌شود (چیپور و همکاران، ۲۰۰۲).

افکانس و مارون معتقدند که رفاه ذهنی وسیله‌ای برای شناسایی کیفیت زندگی است. آنان جنبه‌های ذهنی و روانی و فیزیکی شخصیت انسان را موردبررسی قرار داده و تأثیرات این ابعاد را روی بخش ذهنی کیفیت زندگی لحاظ می‌کنند. فاکتورهای عینی مانند درآمد، مسکن و آموزش برخلاف ویژگی‌های ذهنی نقش کمتری را در بحث‌های مربوط به کیفیت زندگی در تحقیقات افکانس و مارون دارند (لیندا و دیانا، ۲۰۰۵).

در این نگاه کیفیت زندگی را با سنجش احساس‌های ذهنی شخص از خشنودی درباره جنبه‌های گوناگون زندگی می‌توان ارزیابی کرد (شیخاوندی، ۱۳۸۸). بیشتر روان‌شناسان طرفدار استفاده از مفهوم ذهنی کیفیت زندگی بوده و معتقدند که رفاه هر فرد یا گروه از افراد دارای اجزای عینی و ذهنی است. اجزای عینی رفاه یا بهزیستی با آنچه که به‌طور معمول به عنوان استاندارد زندگی یا سطح زندگی نامیده می‌شود، ارتباط دارد و اجزای ذهنی آن به کیفیت زندگی اطلاق می‌شود. دید الیور و همکاران (۱۹۹۷) عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی در سه طبقه قرار دارند: ۱. مشخصات فردی شامل متغیرهای دموگرافیک؛ ۲. شاخص‌های عینی کیفیت زندگی که شرایط محیطی هستند و بر متغیرهای مربوط به رفاه عمومی، بهداشت محیط اجتماعی، تحرک، فرهنگ و مذهب، محیط طبیعی و سیاست‌ها. ۳. شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی که با مفاهیمی همچون احساس رضایتمندی از زندگی، رفاه و آسایش جسمی و روانی و شادکامی توصیف می‌شود. فرانس (به نقل از اسلامی، ۱۳۸۴)

۳. مبانی نظری و مدل پژوهش

۳-۱. مبانی نظری

فضای شهری یکی از عناصر ساخت فضایی شهر است که همراه با تاریخ یک ملت در ادوار مختلف به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود فضای شهری از دو عنصر اساسی: میدان و خیابان تشکیل شده است که همواره در این دو عنصر فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی جریان داشته است. بهترین راه درک فضای شهری نگاه دقیق به تجربه طراحی فضا در طول تاریخ است و این تجربه در یونان با ایجاد تپه‌های مقدس مانند آگروپولیس یا میدان اگوارا در رم با فروم ری، در ایران باستان با فضاهایی کنده شده در دل صخره‌ها یا یک چارطاقی بنا شده در بالای تپه متجلی می‌شود و سرانجام در فضاهای شهری دوران قرون وسطی و رنسانس به اوج می‌رسد (توسلی، ۱۳۸۶).

عوامل تأثیرگذار بر فضای شهری دربرگیرنده ۴ عنصر اساسی است:

۱. ساکنان یا عابران: ساکنان یک فضای شهری به دو صورت «ثابت یا ساکن» و «در حال حرکت یا عابر» می‌باشند و به فضای شهری روح و زندگی می‌بخشند و فضای شهری بدون آنان مرده و رها شده است. شدت رابطه متقابل میان عابر و ساکن و ماهیت آن، خمیرمایه حیات شهری خواهد بود.

۲. عناصر انسان‌ساخت: عناصر انسان‌ساخت فضای شهری به دو دسته تقسیم می‌شوند: «عناصر کالبدی» و «عناصر فعالیتی».

۳. عناصر کالبدی: عناصر کالبدی ثابت مثل میدان و عناصر کالبدی متحرک مثل وسایل نقلیه.

۴. عناصر فعالیتی: باعث تحقق عمل یا فعالیت در شهر می‌شوند. ثابت مثل فعالیت مسکونی و متحرک مثل منتظر ماندن در ایستگاه اتوبوس.

در سال‌های اخیر، توجه به کیفیت زندگی در شهرها از سطح شاخص‌های کالبدی فراتر رفته و ابعاد ذهنی و ادراکی شهروندان نیز به آن اضافه شده است. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که رضایت از زندگی شهری ترکیبی از خدمات عینی و تجربه‌های ذهنی است و این دو بُعد باید هم‌زمان دیده شوند (Carrère et al., 2020). نگرش عینی اغلب به تحلیل به صورت عینی محدود شده است و گزارش داده ثانویه اغلب در مقیاس‌های فضایی و جغرافیایی، داده را جمع می‌کند. آن‌ها عمدتاً از مجموع داده دولتی رسمی ریشه می‌گیرند که آمارگیری را شامل می‌شود. این نگرشی است که اغلب با تحقیق متذکران اجتماعی همراه

در کتاب بررسی کیفیت زندگی شهری که توسط رابرت مارانس و رابرت سیمسون در سال (۲۰۱۱) نوشته شده است، مشخص شد که ۲ پارامتر کیفیت شهری (دستمزد، درآمد، اشتغال، قیمت مسکن، تأسیسات فرهنگی، چشم‌اندازهای زیبا، آب‌وهوا و ...) و کیفیت زندگی محیطی (کیفیت محیط شهری و تأثیر آن بر کیفیت زندگی) بر مؤلفه‌ی اصلی کیفیت زندگی اثرگذار هستند. در کتاب کیفیت زندگی و هم‌تابی فضایی آن با توسعه‌ی اقتصادی محله در شهرهای بزرگ چین که توسط ون زنگ و لیلی زیانگ در سال (۲۰۱۷) بیان شده است که کیفیت زندگی بر روی توسعه اقتصادی محلی تأثیرگذار است. توسعه اقتصاد محلی می‌تواند کیفیت زندگی را افزایش دهد. اگر شهرها بر صنایع با ارزش افزوده و سازگار با محیط‌زیست ساخته شوند، اقتصاد محلی و کیفیت زندگی بهبود پیدا می‌کنند. در چین کیفیت زندگی بالاتر از توسعه‌ی اقتصاد محلی است. در کتاب انتخاب شاخص‌های پایدار شهری و کیفیت زندگی ساکنان شهر که توسط روبرتا گریفونی و ماسیمو سارگولینی نوشته شده است گفته شد که کیفیت مناظر و کیفیت زندگی ساکنان شهر ارتباط تنگاتنگی با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. بازخورد دایم پایداری و کیفیت منظر شهری و تعامل آن‌ها با کیفیت زندگی ساکنان شهر موضوع مورد مطالعه در این کتاب بود

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان گفت که سنجش جهانی و چارچوب قابل قبول برای تعریفی واحد از کیفیت زندگی و شاخص‌های آن وجود ندارد. این امر موجب تفاوت‌هایی در تعریف کیفیت زندگی و نتایج پژوهش‌ها شده است. برخی از ابعاد و شاخص‌هایی که توسط کامینز (۱۹۹۷) در راستای ارزیابی کیفیت زندگی صورت گرفته، بدین شرح است:

- بهزیستی مادی: استاندارد زندگی، موقعیت فردی، درآمد، استخدام
- بهزیستی اجتماع: دیدگاه ساکنان نسبت به کیفیت زندگی، سلامت، جرم، برنامه‌های زیباسازی جامعه و رضایتمندی از خدمات آموزشی، همسایگی‌ها، خدمات و تسهیلات، زندگی اجتماعی و روابط اجتماع
- سودمندی: کار یا دیگر فعالیت‌های مولد
- صمیمیت: ارتباطات خانوادگی و اجتماعی
- سلامت و ایمنی: شرایط محیط، احساس نسبت به زندگی و موقعیت فردی

است. نگرش ذهنی به صورت خاص طراحی شده است تا داده اولیه را در سطح فردی یا بدون تجمع با استفاده از شیوه‌های تحقیقی اجتماعی که تمرکز آن بر رفتارهای افراد و ارزیابی جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی در سطح عمومی و کیفیت زندگی شهری به‌طور خاص و ویژه جمع‌آوری کند (Marans and Stimson, 2001). براین اساس طراحی و تبیین شاخص‌های اجتماعی کیفیت زندگی یکی از راه‌های عملیاتی کردن مفهوم کیفیت زندگی است.

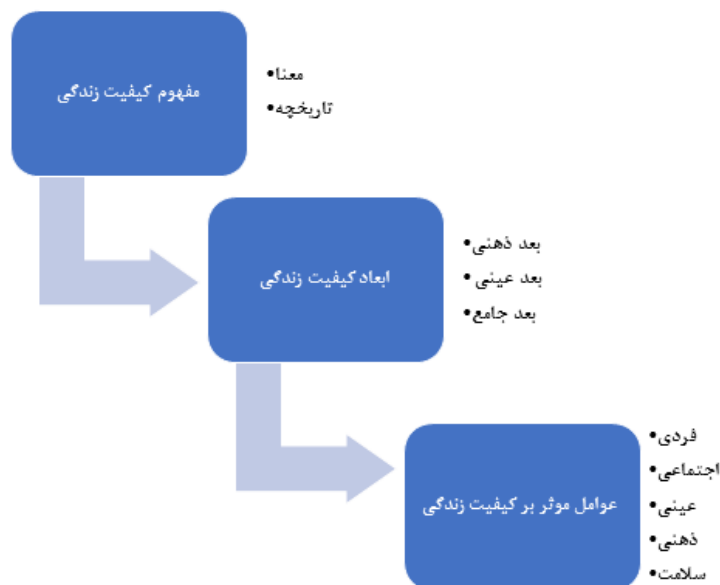
مطالعات اخیر همچنین تأکید کرده‌اند که درک کیفیت زندگی به‌شدت وابسته به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی هر شهر است و نمی‌توان یک چارچوب واحد را به همه فضاهای شهری تعمیم داد. از این رو، بومی‌سازی شاخص‌ها در مقیاس محلی، به‌ویژه در کلان‌شهرها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (Erciyes, 2020; Zhu, Guo & Ma-ghelal, 2023). برخی دیگر از مطالعات انجام شده پیرامون کیفیت زندگی: بر این امر واقف هستند که کیفیت محیط سکونت شهری معمولاً از طریق شاخص‌های ذهنی حاصل از پیمایش و ارزیابی ادراکات و رضایت شهروندان از زندگی شهری و محیط سکونتی آنان؛ یا با استفاده از شاخص‌های عینی حاصل از داده‌های ثانویه، اندازه‌گیری می‌شود. شاخص‌های کیفیت زندگی شهری در تورنتو این پژوهش که تحت عنوان پروژه شهر سالم در تورنتو انجام شده است پنج بعد را برای سنجش کیفیت زندگی شهری در تورنتو در نظر گرفته است. این ابعاد عبارت‌اند از: حیات اقتصادی محیط‌زیست، بهداشت جامعه، حمل‌ونقل و ایمنی.

فضاهای عمومی شهری در پژوهش‌های اخیر به‌عنوان عرصه‌ای برای بازتولید سرمایه اجتماعی و هویت جمعی معرفی شده‌اند. کیفیت تجربه در این فضاها به‌شدت بر میزان مشارکت اجتماعی و حس تعلق شهروندان تأثیر می‌گذارد (Bettaieb & Alsabban, 2021). علاوه بر این، مطالعات نشان داده‌اند که طراحی و مدیریت کارآمد فضاهای عمومی می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهد و شرایطی برای بهبود کیفیت زندگی گروه‌های مختلف فراهم آورد. این امر به‌ویژه در شهرهای پرتراکم اهمیت دوچندان دارد (Zhu et al., 2023). پژوهش‌های داخلی در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که کیفیت زندگی در ایران بیش از هر چیز تحت تأثیر عوامل محیطی و اقتصادی قرار دارد و کمتر به ابعاد ذهنی و اجتماعی پرداخته شده است. این امر باعث شده است که سیاست‌های شهری اغلب به شاخص‌های عینی محدود شوند و تجربه زیسته شهروندان کمتر دیده شود (Bagheri et al., 2022). با این حال، مطالعات جدید بر ضرورت ترکیب شاخص‌های ذهنی و عینی تأکید دارند و پیشنهاد می‌کنند که در برنامه‌ریزی شهری، شاخص‌هایی مانند حس تعلق، امنیت اجتماعی و رضایت از فضاهای عمومی نیز وارد فرآیند ارزیابی شود. چنین رویکردی می‌تواند درک کامل‌تری از کیفیت زندگی در بافت‌های شهری فراهم آورد (Ghahremani & Amini, 2022).



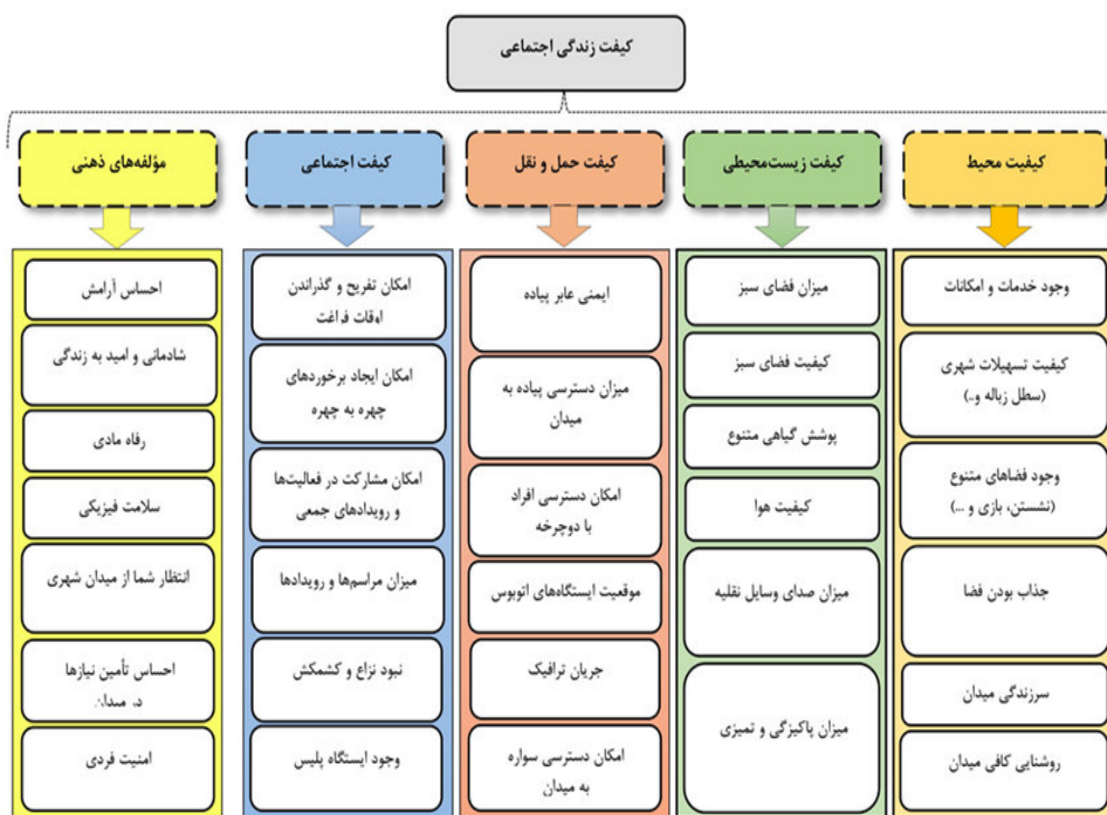
نمودار ۱: طبقه‌بندی دیدگاه نظریه‌پردازان به کیفیت زندگی

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که طرح پژوهش به صورت زیر جمع‌بندی شده است:



نمودار ۲: نحوه بسط مفهوم کیفیت زندگی در پژوهش

در یک جمع‌بندی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های کیفیت زندگی به صورت زیر خلاصه می‌گردند:



نمودار ۳: مؤلفه‌های کیفیت زندگی که با توجه به نظریات و دیدگاه‌های مبانی نظری استخراج و در ۵ دسته تقسیم‌بندی شده‌اند

۳-۲- مدل نظری و چارچوب

با توجه به موضوع پژوهش که تدوین الگوی مؤلفه‌های فردی اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی شهری با رویکرد ارتقاء شاخص‌های توسعه‌ی شهری است. اولین گام شناخت محیط است که در سه مرحله شناخت عینی، شناخت ذهنی، شناخت ارزیابانه صورت می‌گیرد. در واقع هر فضای شهری در معنای عام خود تبدیل به محیطی برای رهگذران و شهروندان است که می‌تواند منظری در سه لایه برای آن‌ها ایجاد نماید. لایه اول منظر عینی به صورت اولیه در برطرف نمودن نیازها متمرکز بوده و به صورت مشخص کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد. در لایه بعدی منظر ذهنی مؤلفه‌های مختلف با توجه الگوهای فردی و اجتماعی در ذهن فرد ایجاد می‌نمایند. با دسته‌بندی این مؤلفه‌ها به مؤلفه‌های عینی و ذهنی که در برخی مبانی نظری کیفیت زندگی نیز این دسته‌بندی دیده می‌شود، می‌توان محیط را به عنوان بستر و انسان را به عنوان فیلتر آن به مؤلفه ذهنی با کیفیت زندگی ارتباط داد. مؤلفه عینی خود می‌تواند در چهار دسته حمل‌ونقل، اجتماعی، محیطی و زیست‌محیطی تقسیم‌بندی گردد. این مؤلفه‌ها و مؤلفه ذهنی اگر در کنار هم میزان قابل قبولی از نتیجه مطلوب را داشته باشند، می‌توانند به کیفیت زندگی منتج گردند و شاخص‌های آن را بالا برند: جمع‌آوری و بسط دقیق‌تر این ارتباط میان کلیدواژه‌های پژوهش و ایجاد مدلی تجربی جهت بررسی کیفیت زندگی در فضای شهری میدان تجریش باید گفت کیفیت زندگی در چند سطح نمود می‌یابد:

با توجه به شاخص‌های توسعه مدل زیر را می‌توان تدوین نمود که در نهایت پرسشنامه و تحلیل نیز براساس همین مدل انجام شده است. (نمودار شماره ۴)

۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با هدفی کاربردی انجام شده است. روش پژوهش از نوع ترکیبی اکتشافی متوالی است. در گام نخست، شاخص‌ها از طریق مطالعات کیفی (مصاحبه نیمه ساختاریافته و تحلیل اسناد) استخراج شد. سپس این شاخص‌ها در قالب پرسشنامه به سنجش کمی درآمد و داده‌ها با آزمون‌های پارامتریک یا ناپارامتریک، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (K-S) تحلیل گردید.

جامعه آماری پژوهش در بخش انسانی شامل ۱۵ نفر از خبرگان و متخصصان مرتبط با موضوع است. در بخش کمی، تعداد ۶۰ پرسشنامه گردآوری شده است. با توجه به تخصصی بودن موضوع، روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند (قضای) انجام شد؛ بدین معنا که افراد دارای دانش

تخصصی و تجربه اجرایی مرتبط با محدوده مورد مطالعه انتخاب شدند).

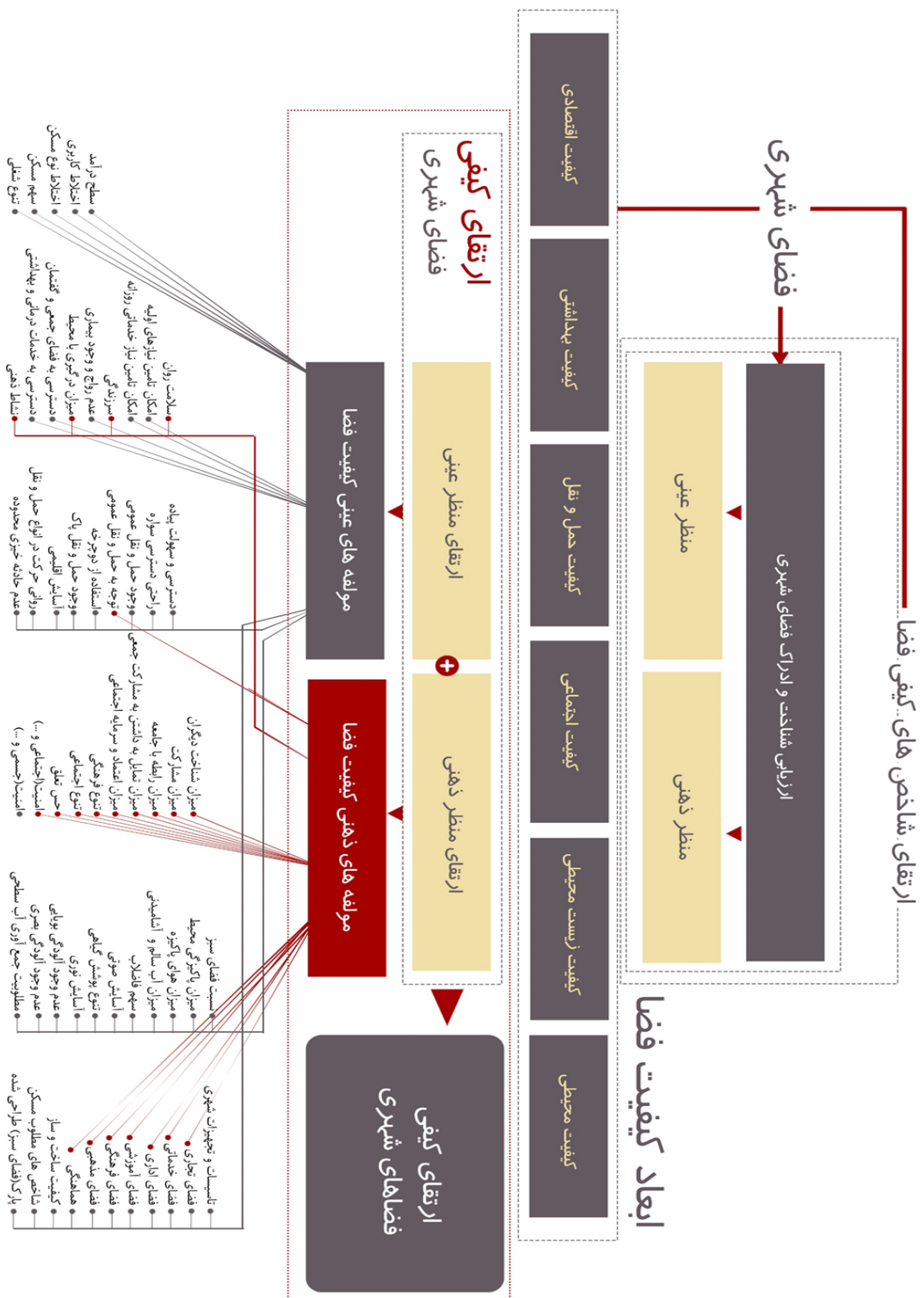
گردآوری داده‌ها در سه مرحله انجام شد:

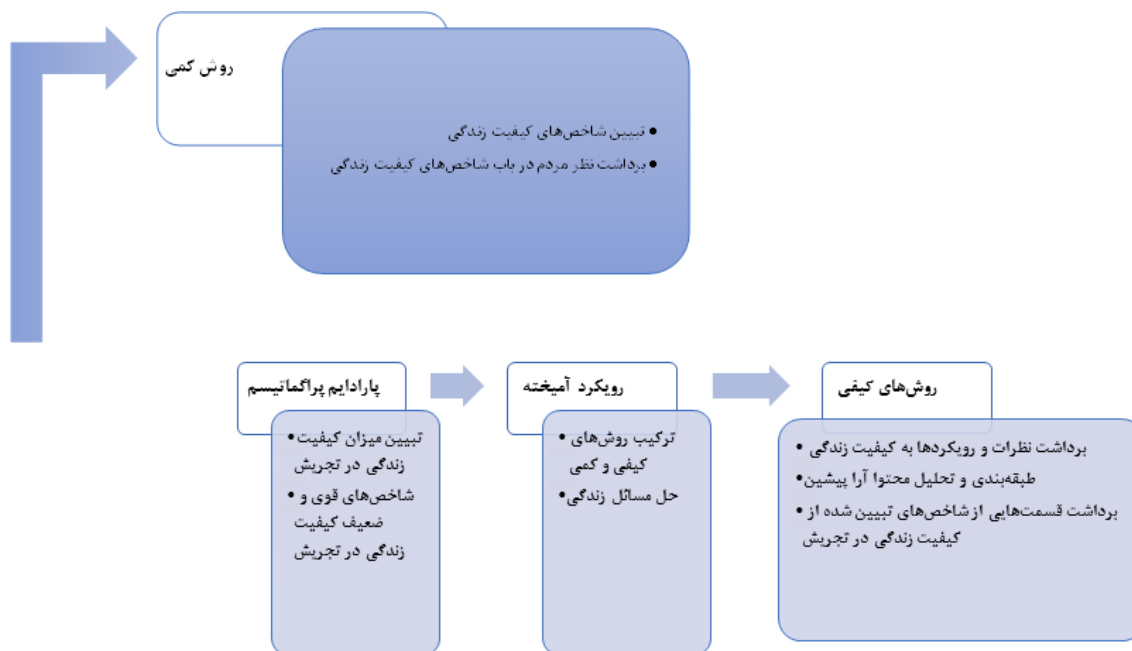
۱. مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی شامل بررسی منابع نظری، مقالات علمی، طرح‌های مصوب و گزارش‌های اجرایی مرتبط با اقدامات احیایی به‌منظور تبیین چارچوب نظری و پیشینه موضوع.
۲. مشاهدات میدانی از محدوده مورد مطالعه جهت ثبت وضعیت موجود، تغییرات کالبدی، نوع کاربری‌ها و نحوه استفاده شهروندان از فضا.
۳. مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان
۴. پرسشنامه تخصصی که پرسش‌ها در قالب مقیاس لیکرت تنظیم و میان جامعه آماری توزیع گردید.

۵. تجزیه و تحلیل

میدان تجریش به‌عنوان محدوده مورد مطالعه، در ناحیه ۷ منطقه ۱ تهران و در محله تجریش قرار دارد و به دلیل هم‌جواری با بازار تجریش و بقیه امامزاده صالح، یکی از گره‌های اصلی فعالیتی-اجتماعی شهر تهران محسوب می‌شود. کارکردهای تجاری-مذهبی و جریان‌های فرامنطقه‌ای سفر، موجب حضور طیف متنوعی از استفاده‌کنندگان (ساکنان، کسبه، مراجعان و گردشگران) در ساعات و روزهای مختلف شده است. از منظر کالبدی، بخش‌هایی از بافت پیرامون میدان دارای ریزدانه‌گی، نامنظمی و قدمت بالاست و این امر در کنار شدت فعالیت، بر کیفیت حرکت پیاده، مکث، ادراک امنیت و کیفیت محیطی اثر می‌گذارد. در ادامه، شناخت میدانی و تحلیل کیفی محدوده براساس ابعاد کیفیت زندگی ارائه می‌شود تا زمینه تفسیر نتایج نهایی فصل‌های بعد فراهم گردد

پس از تدوین الگوی مؤلفه‌های فردی-اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی شهری با رویکرد ارتقای شاخص‌های توسعه شهری (موردپژوهی): میدان تجریش تهران، طرح پژوهش بر مبنای پارادایم پراگماتیسم و رویکرد آمیخته تنظیم شده است. بدین معنا که ابتدا با تکیه بر داده‌های کیفی (مرور نظام‌مند منابع، مشاهده و برداشت‌های میدانی و نیز مصاحبه/دلفی) مؤلفه‌ها و شاخص‌های اولیه کیفیت زندگی استخراج و طبقه‌بندی می‌شوند؛ سپس در گام کمی، شاخص‌های استخراج‌شده به پرسشنامه تبدیل شده و از طریق تحلیل آماری (در سطح توصیفی و استنباطی) میزان برخورداری/ادراک گروه‌های هدف از ابعاد کیفیت زندگی سنجیده می‌شود. در نهایت، نتایج کیفی و کمی در قالب ادغام یافته‌ها تفسیر شده است برای استخراج و بومی‌سازی شاخص‌ها و نیز رفع ابهام‌های





نمودار ۵: رویکرد و روش‌های مورد استفاده در پژوهش

پالایش داده‌ها (کنترل پرسشنامه‌های ناقص، بررسی سازگاری پاسخ‌ها و آماده‌سازی فایل داده)، برای تعیین امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک یا ناپارامتریک، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) استفاده شد. معیار تصمیم‌گیری در این آزمون سطح معناداری است؛ به‌گونه‌ای که اگر مقدار $p < 0.05$ باشد، توزیع داده‌ها نرمال تلقی نشده و به‌کارگیری آزمون‌های ناپارامتریک مناسب‌تر خواهد بود و در صورت $p \geq 0.05$ امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک فراهم می‌شود. نتایج آزمون نرمالیت در جدول مربوط ارائه شده است.

سپس با توجه به ماهیت رتبه‌ای داده‌های لیکرت و نیز نتایج آزمون نرمالیت، برای تحلیل استنباطی و اولویت‌بندی/رتبه‌بندی ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی در میدان تجریش از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شد. آزمون اصلی در این پژوهش آزمون فریدمن است که برای مقایسه چند شاخص مرتبط (درون یک نمونه) و استخراج رتبه میانگین آن‌ها به کار می‌رود. بر این اساس، شاخص‌ها در هر بعد کیفیت زندگی بر مبنای رتبه میانگین مرتب شده و ابعاد/مؤلفه‌های دارای اهمیت بالاتر از منظر پاسخ‌دهندگان شناسایی گردید. این تحلیل امکان مقایسه الگوی ادراک در میان گروه‌های پاسخ‌دهنده (شهروندان و کسبه) و استخراج اولویت‌های مشترک و متفاوت را فراهم می‌سازد.

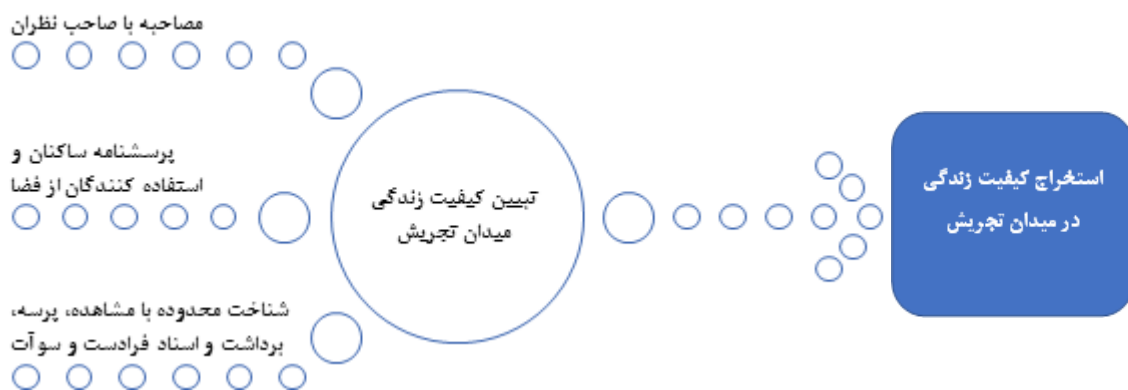
در مرحله ادغام، خروجی بخش کیفی (شاخص‌ها و مضامین استخراج‌شده از مرور منابع، برداشت میدانی و مصاحبه با

مفهومی، از نظر خبرگان/مسئولان مرتبط با مدیریت شهری محدوده استفاده شد. در این راستا، ۱۵ مصاحبه نیمه ساختاریافته با کارشناسان و مسئولان مرتبط انجام گرفت و داده‌های حاصل پس از پیاده‌سازی، با رویکرد تحلیل کیفی کدگذاری و به استخراج مضامین و شاخص‌های کلیدی منجر شد.

پرسشنامه ابزار اصلی گردآوری داده‌های کمی در این پژوهش است که بر مبنای خروجی مرحله کیفی و طبقه‌بندی ابعاد کیفیت زندگی تدوین شد. پرسشنامه شامل گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد») است و ابعاد اصلی کیفیت زندگی/کیفیت فضا را در میدان تجریش می‌سنجد. پرسشنامه به صورت الکترونیکی در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت و داده‌های حاصل برای تحلیل آماری و رتبه‌بندی شاخص‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

در مجموع، داده‌های کیفی این پژوهش (مطالعات اسنادی، مشاهده میدانی و نظر خبرگان) مبنای استخراج و پالایش شاخص‌ها و تدوین گویه‌های پرسشنامه را فراهم کرد و داده‌های کمی حاصل از پرسشنامه، امکان سنجش و رتبه‌بندی میزان برخورداری/ادراک گروه‌های هدف از ابعاد کیفیت زندگی را فراهم ساخت. در بخش بعد، روش تحلیل داده‌ها و نحوه ادغام یافته‌های کیفی و کمی تشریح می‌شود.

در این پژوهش، داده‌های بخش کمی از طریق پرسشنامه با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای گردآوری شد. پس از



نمودار ۶: روش‌های سه‌گانه استخراج اطلاعات

در نمودار زیر و حول مفهوم کیفیت زندگی به صورت مدون و پیوسته آورده شده تا ترکیب قرارگیری این موارد در کنار یکدیگر بتواند بهتر نحوه استخراج این پیوستارها را به نمایش گذارد:

تحلیل کیفیت زندگی در این پژوهش بر مبنای چارچوب شش‌گانه استخراج‌شده و تدقیق شده انجام شده است. داده‌های کمی (پرسشنامه) برای سنجش وضعیت و مقایسه ادراک کاربران و داده‌های کیفی (مصاحبه و برداشت میدانی) برای تفسیر زمینه‌مند نتایج و توضیح چرایی رتبه‌ها و امتیازها به کار گرفته شدند. در پرسشنامه تعداد ۷۰ سؤال در شش بخش که مؤلفه زیست‌محیطی ۱۲ سؤال، در زمینه بهداشتی ۱۱ سؤال، اقتصادی ۷ سؤال، محیطی ۱۳ سؤال، اجتماعی ۱۷ و حمل‌ونقل ۱۰ سؤال داشتند. پرسش‌ها گزینه‌ای با توجه به طیف لیکرت (۵ قسمتی) بوده و از نظر معنایی مثبت بودند.

● **مؤلفه زیست‌محیطی کیفیت زندگی:** یافته‌های این مؤلفه نشان می‌دهد ادراک پاسخ‌دهندگان از کیفیت زیست‌محیطی میدان تجریش، ترکیبی از شرایط عینی و برداشت ذهنی است. برخی شاخص‌ها (مانند پاکیزگی محیط و مدیریت پسماند) مستقیماً به کیفیت نگهداشت و مدیریت شهری در محدوده وابسته‌اند و در تجربه روزمره کاربران نقش پررنگی دارند. در مقابل، شاخص‌هایی مانند کیفیت هوا و برخی مؤلفه‌های فرامکانی.

● **مؤلفه بهداشتی کیفیت زندگی:** مؤلفه بهداشتی در این پژوهش، ابعادی مانند دسترسی به خدمات درمانی، تأمین نیازهای خدماتی روزانه، سرزندگی و برخی شاخص‌های ادراک سلامت جسمی و روانی را پوشش می‌دهد. نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد شاخص‌هایی که به «دسترسی به خدمات» مربوط‌اند،

خبرگان) به‌عنوان مبنای تدوین گویه‌های پرسشنامه و چارچوب سنجش به کار رفت. سپس نتایج بخش کمی (رتبه‌بندی‌ها و الگوهای ادراک به‌دست‌آمده از تحلیل آماری) برای تأیید، اولویت‌بندی و تفسیر زمینه‌مند همان شاخص‌ها استفاده شد. درنهایت، با کنار هم گذاشتن این دو دسته یافته، الگوی نهایی مؤلفه‌های فردی-اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی میدان تجریش استخراج و پیشنهادهای کاربردی برای ارتقای شاخص‌های توسعه شهری ارائه گردید.

یافته‌های پژوهش به‌صورت یکپارچه تفسیر و در شش مؤلفه کیفیت زندگی شامل محیطی، زیست‌محیطی، حمل‌ونقل، اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی بر مبنای داده‌های مرحله کمی و کیفی تحلیل می‌گردند. در بخش کمی، تعداد ۶۰ پرسشنامه گردآوری شد که پس از پالایش داده‌ها و حذف پرسشنامه‌های ناقص/نامعتبر، تعداد ۵۴ پرسشنامه معتبر برای تحلیل آماری نهایی مورد استفاده قرار گرفت. در بخش کیفی نیز ۱۵ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان/مسئولان مرتبط انجام و با کدگذاری و استخراج مضامین، برای تفسیر و تکمیل نتایج به کار گرفته شد. سؤالات باز بوده و متناسب با سمت و میزان تخصص افراد منعطف بودند. در ابتدای امر مؤلفه‌های شش‌گانه با نظر مصاحبه‌کنندگان از کیفیت زندگی تدقیق گشته و مؤلفه‌ای به آن اضافه یا از آن کم نگشت. عبارات مصاحبه‌ها در قالب maxqda کدگذاری گشته و پس از تقسیم به مؤلفه‌ها، شاخصه‌های جدید این مؤلفه‌ها استخراج گردیدند. متون کدگذاری شده به گویه‌ها و مفاهیم و شاخصه‌ها مبدل گردیدند. اهمیت هر مؤلفه با تعدد تکرار لغت در مصاحبه‌ها بررسی و تدقیق گشت.

در ادامه، ابتدا جمع‌بندی نتایج هر مؤلفه ارائه می‌شود، سپس رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها گزارش شده و درنهایت پاسخ فرضیه‌ها، جمع‌بندی نهایی و پیشنهادهای کاربردی ارائه می‌گردد. فرآیند فصل به فصل این تحقیق

معمولاً امتیاز بالاتری دریافت می‌کنند؛ زیرا میدان تجریش به‌عنوان یک گره شهری پرتردد، از نظر پراکنش خدمات و دسترسی پیاده دارای ظرفیت قابل قبول است. در مقابل، شاخص‌هایی که بیشتر ماهیت ذهنی و وابسته به شرایط کلان اجتماعی دارند (مانند نشاط).

● **مؤلفه اقتصادی کیفیت زندگی:** مؤلفه اقتصادی در این پژوهش، شاخص‌هایی مانند سطح درآمد، تنوع شغلی، اختلاط کاربری، سهم مسکن در سبد خانوار و برداشت پاسخ‌دهندگان از هزینه‌پذیری خدمات را پوشش می‌دهد. نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد ارزیابی اقتصادی در میدان تجریش معمولاً با پراکندگی بیشتری همراه است؛ زیرا این گره شهری هم‌زمان محل فعالیت گروه‌های درآمدی متفاوت و نیز مقصدی برای کاربران فرامنطقه‌ای است و بنابراین تجربه اقتصادی «ساکن/کاسب» با «مراجع/گردشگر» می‌تواند متفاوت باشد.

● **مؤلفه محیطی کیفیت زندگی:** مؤلفه محیطی در این پژوهش، شاخص‌هایی مرتبط با کیفیت فضا و عناصر کالبدی-عملکردی را شامل می‌شود؛ از جمله کیفیت فضای تجاری و بازار، کفسازی و کیفیت معابر، فضاهای مکث و تجمع (پلازاها)، مبلمان شهری، سرزندگی محیطی، هماهنگی نماها و برخی خدمات و کاربری‌های پشتیبان. نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد بخشی از شاخص‌های محیطی به «وجود/دسترسی» وابسته‌اند و بخشی دیگر ماهیت ادراکی و سلیقه‌ای دارند (مانند هماهنگی نماها یا کیفیت برخی فضاهای مکث)، بنابراین پراکندگی پاسخ‌ها در آن‌ها طبیعی است.

● **مؤلفه اجتماعی-فرهنگی کیفیت زندگی:** مؤلفه اجتماعی-فرهنگی در این پژوهش شامل شاخص‌هایی مانند حس تعلق، هویت مکانی، تنوع گروه‌های حاضر، امنیت (فردی/اجتماعی/روانی)، همه‌شمولی و برخی مؤلفه‌های مرتبط با اعتماد و مشارکت است. نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد بخشی از شاخص‌های اجتماعی در میدان تجریش به دلیل نقش مذهبی-فرهنگی و حضور پیوسته جمعیت، ظرفیت قابل قبولی دارند؛ با این حال برخی شاخص‌ها به شدت وابسته به ازدحام، کیفیت مدیریت فضا و تفاوت گروه‌های استفاده‌کننده‌اند و می‌توانند پراکندگی بالاتری نشان دهند.

● **مؤلفه حمل‌ونقل کیفیت زندگی:** مؤلفه حمل‌ونقل در این پژوهش شاخص‌هایی مانند دسترسی به حمل‌ونقل

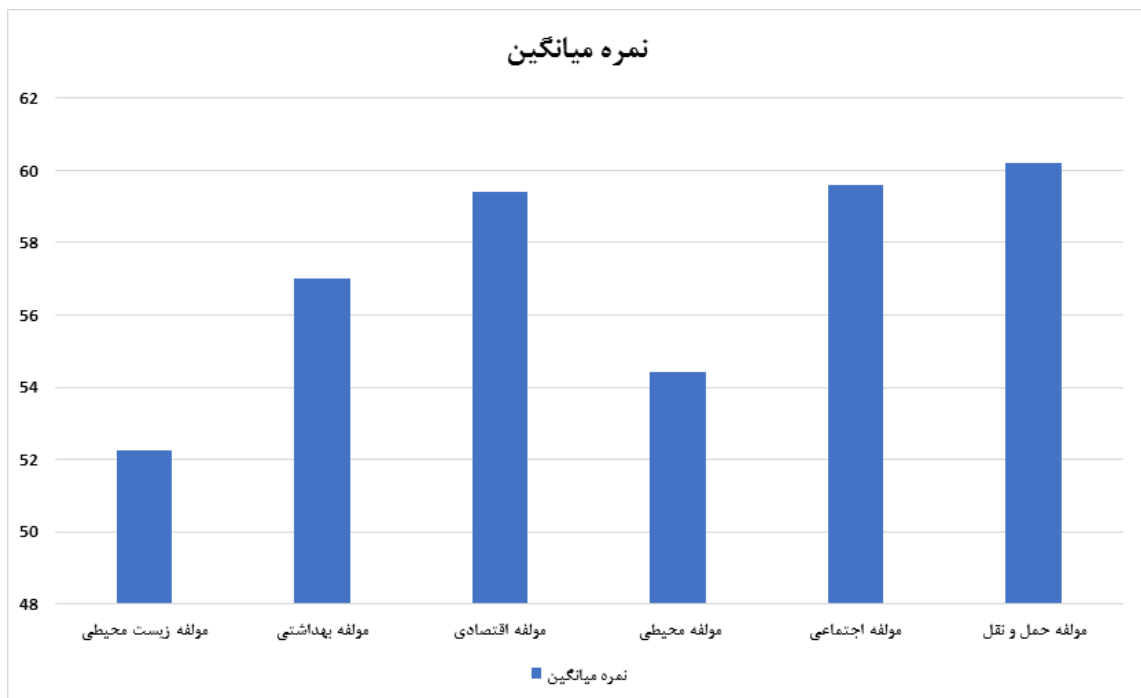
عمومی، امکان دسترسی به نقاط اصلی شهر، ایمنی عابر پیاده، کیفیت حرکت پیاده، دسترسی به پارکینگ، روانی ترافیک و امکان استفاده از حمل‌ونقل پاک را پوشش می‌دهد. نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد در میدان تجریش، شاخص‌های مرتبط با «دسترسی و حمل‌ونقل عمومی» معمولاً امتیاز بالاتری دریافت می‌کنند؛ زیرا این محدوده به‌عنوان یک گره شهری، از نظر تنوع گزینه‌های حمل‌ونقل عمومی دارای مزیت است. در مقابل، شاخص‌هایی مانند پارکینگ، روانی ترافیک و حمل‌ونقل پاک می‌توانند به دلیل محدودیت‌های کالبدی، شیب و فشار تردد، امتیاز پایین‌تر و پراکندگی بیشتری داشته باشند.

۵-۱. رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها (آزمون فریدمن)

به‌منظور اولویت‌بندی شاخص‌ها و استخراج رتبه مؤلفه‌های کیفیت زندگی در میدان تجریش، از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده شد. این آزمون امکان مقایسه رتبه‌ای شاخص‌های وابسته (درون یک نمونه) را فراهم می‌کند و نشان می‌دهد آیا از منظر پاسخ‌دهندگان، میان شاخص‌ها/مؤلفه‌ها از نظر اهمیت ادراک‌شده تفاوت معنادار وجود دارد یا خیر. نتایج آزمون فریدمن نشان‌دهنده این امر است که سطح معناداری در تفاوت رتبه‌ها معنادار بوده و بنابراین می‌توان رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها را گزارش و تفسیر کرد. در ادامه، ابتدا رتبه کلی مؤلفه‌ها ارائه می‌شود و سپس رتبه شاخص‌های هر مؤلفه به تفکیک گزارش می‌گردد. نتایج آزمون ناپارامتریک فریدمن نشان می‌دهد سطح معناداری آزمون کمتر از ۰,۰۵ است؛ بنابراین از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، شاخص‌ها/مؤلفه‌ها از اهمیت یکسان برخوردار نیستند و رتبه‌بندی آن‌ها قابل‌اتکا است. بر این اساس، در ادامه رتبه مؤلفه‌ها و سپس رتبه شاخص‌های هر مؤلفه گزارش می‌شود.

۵-۲. جمع‌بندی نهایی وضعیت کیفیت زندگی در میدان تجریش

با توجه به نتایج آمار توصیفی و رتبه‌بندی شاخص‌ها، برای ارائه تصویری یکپارچه از وضعیت میدان تجریش، جدول ۵-۹ به‌عنوان جمع‌بندی نهایی ارائه می‌شود. این جدول، امتیاز هر شاخص (در مقیاس ۰ تا ۱۰۰) و طبقه‌بندی کیفی آن (مطلوب/متوسط/نامطلوب) را در کنار جهت‌گیری پیشنهادی برای بهبود یا حفظ وضعیت نشان می‌دهد. هدف جدول ۵-۸، تبدیل یافته‌های پراکنده به یک نقشه اقدام‌پذیر است تا مشخص شود کدام شاخص‌ها نیازمند مداخله فوری‌تر و کدام شاخص‌ها نیازمند تثبیت و نگهداشت هستند.



نمودار ۷: آزمون ناپارامتریک فریدمن

۵-۳. تحلیل کیفی مصاحبه‌ها (MAXQDA)

برای تکمیل تفسیر یافته‌های کمی و شناسایی مضامین پنهان در پشت امتیازها و رتبه‌ها، مرحله کیفی پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان/مستولان مرتبط با مدیریت شهری انجام شد. در این مرحله، ۱۵ مصاحبه به صورت هدفمند انجام گرفت و متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی، در نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری و تحلیل شد. کدگذاری در چارچوب شش مؤلفه اصلی کیفیت زندگی (محیطی، زیست‌محیطی، حمل‌ونقل، اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی) انجام شد تا هم‌خوانی نتایج کیفی با چارچوب پژوهش حفظ گردد. خروجی این مرحله، استخراج مفاهیم پرتکرار، تبیین تأکیده‌های ذهنی خبرگان و ارائه شواهد تفسیری برای توضیح نتایج کمی و اولویت‌های مداخله‌ای است.

براساس نتایج توصیفی شاخص‌ها، بخش عمده شاخص‌ها در سطح متوسط قرار دارند و تنها تعداد محدودی در سطح مطلوب و یک/چند شاخص (بسته به داده‌ها) در سطح نامطلوب گزارش شده است؛ بنابراین می‌توان گفت وضعیت کیفیت زندگی در میدان تجریش «نامطلوب مطلق» نیست، اما در بسیاری از ابعاد در سطح متوسط بوده و نیازمند مداخله‌های هدفمند برای ارتقای کیفیت است. در نتیجه، کیفیت زندگی در فضای عمومی میدان تجریش در سطح «متوسط و قابل بهبود» قرار دارد.

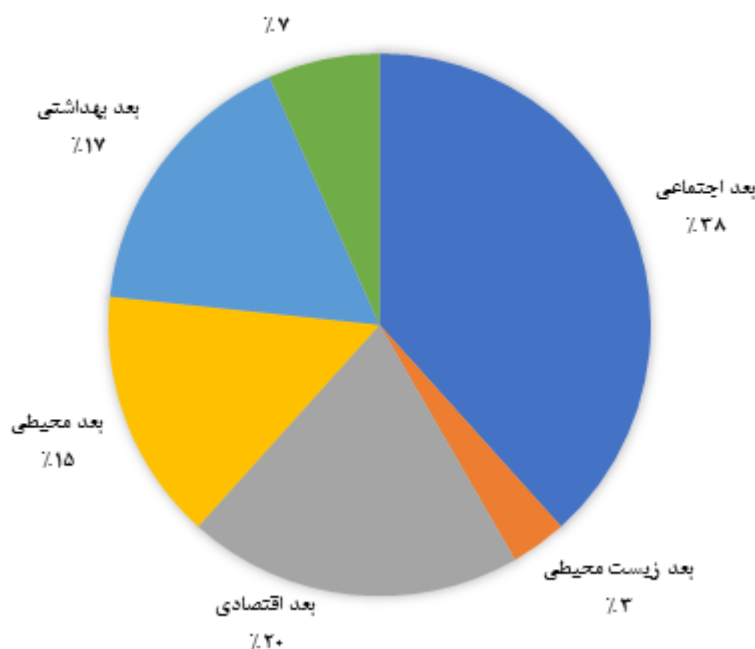
نتایج رتبه‌بندی آزمون فریدمن نشان می‌دهد الگوی اولویت مؤلفه‌ها از دیدگاه پاسخ‌دهندگان یک‌دست نیست و رتبه‌های بالاتر بیشتر در مؤلفه‌های مرتبط با دسترسی و حمل‌ونقل عمومی و برخی ابعاد اجتماعی/ادراکی مشاهده می‌شود. در مقابل، برخی چالش‌های حمل‌ونقل (مانند پارکینگ، تداخل سواره/پیاده و روانی ترافیک) در سطح شاخص‌ها می‌توانند امتیاز پایین‌تری داشته باشند، اما در رتبه کلی مؤلفه حمل‌ونقل لزوماً به معنای «بدترین وضعیت» نیست؛ زیرا دسترسی حمل‌ونقل عمومی در تجریش یک نقطه قوت مهم است. در نتیجه، شاخص‌های اجتماعی بهترین شاخصه کیفیت زندگی و معضلات ترافیکی اصلی‌ترین دلیل کاهش کیفیت زندگی باشد.

ذهنی یا عینی بودن مؤلفه بیانگر کیفیت زندگی در مصاحبه ها



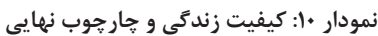
نمودار ۸: ذهنی یا عینی بودن مؤلفه بیانگر کیفیت زندگی در مصاحبه ها

درصد اشاره به مؤلفه های متفاوت کیفیت زندگی
بعد حمل و نقل



نمودار ۹: درصد اهمیت هر مؤلفه در مصاحبه ها

نتایج توصیفی کدگذاری نشان می دهد بخش قابل توجهی از مفاهیم مطرح شده توسط خبرگان ماهیت ادراکی/ذهنی دارد و تمرکز مفهومی بر برخی مؤلفه ها بیش از سایرین است (نمودار ۱۰).

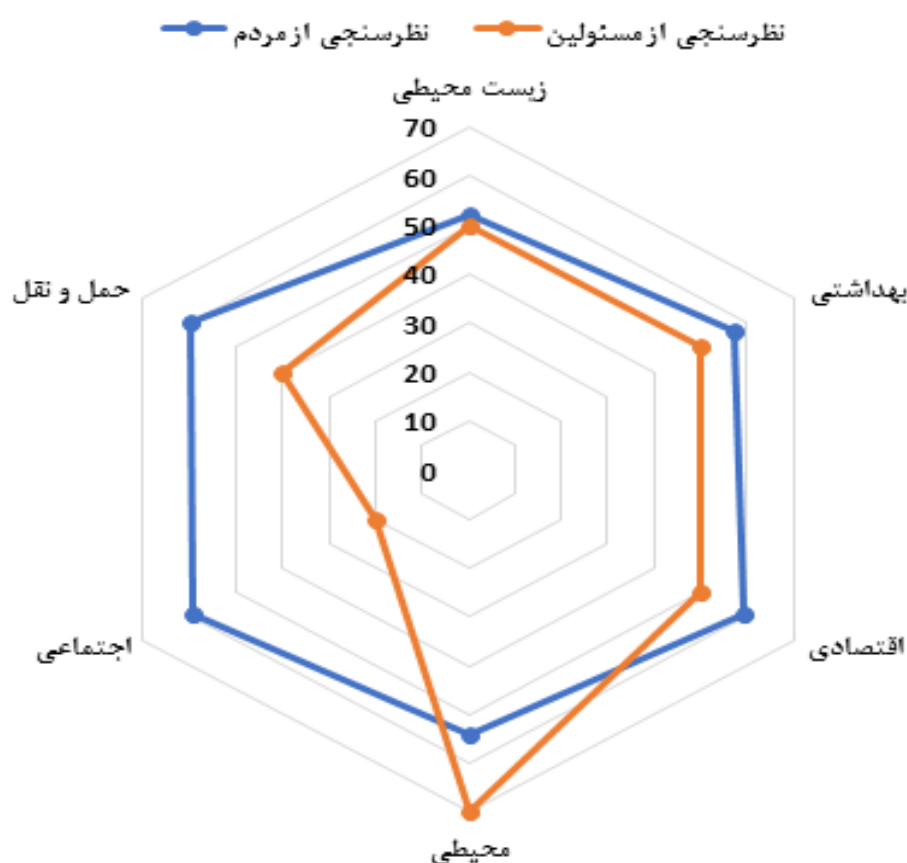


۶. نتایج

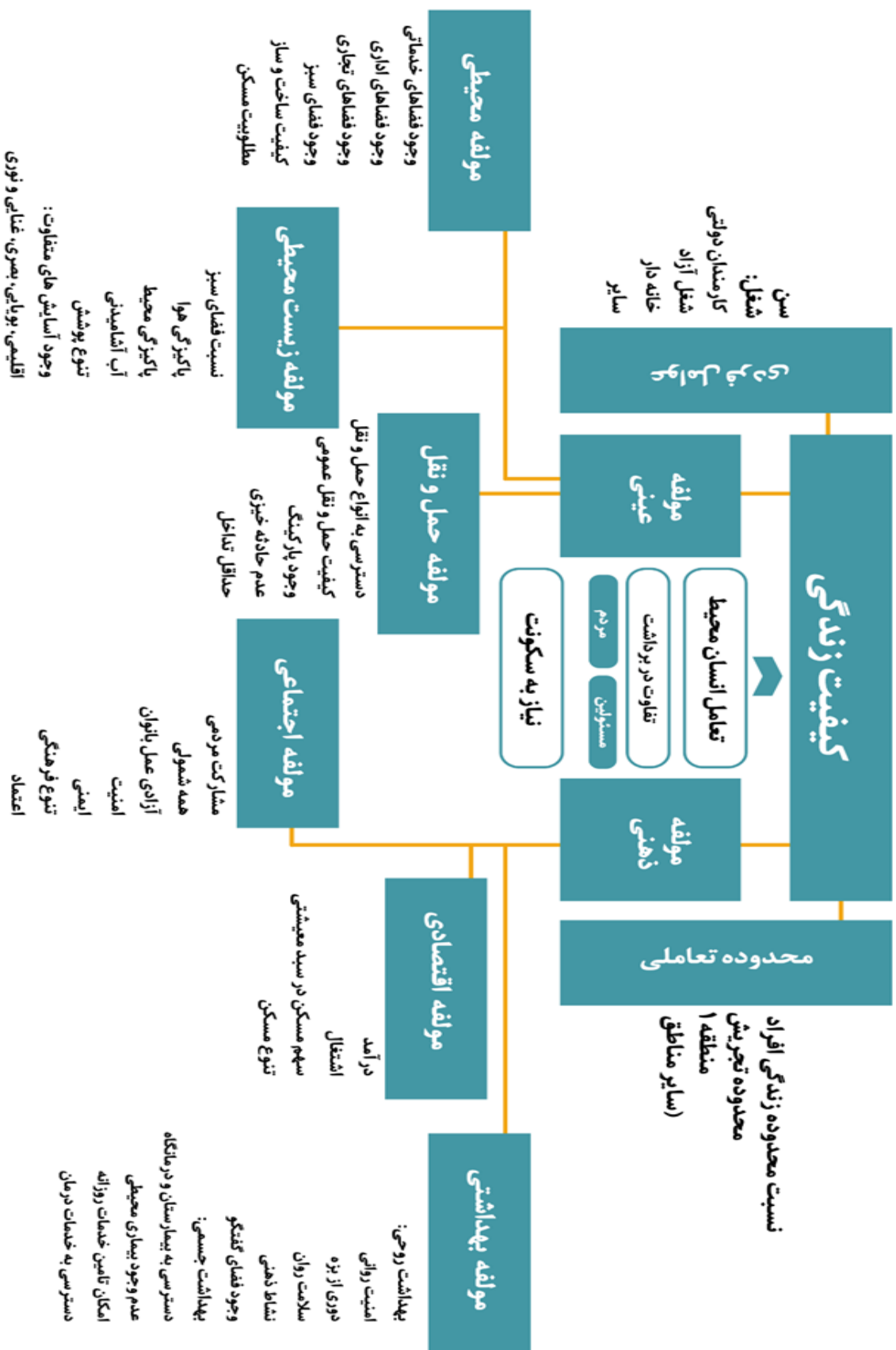
جمع‌بندی نتایج توصیفی و رتبه‌بندی نشان می‌دهد بخش عمده شاخص‌ها در سطح متوسط قرار دارند و تعداد محدودی از شاخص‌ها وضعیت مطلوب را نشان می‌دهند. در رتبه‌بندی مؤلفه‌ها، حمل‌ونقل در سطح کلی می‌تواند به دلیل نقش پررنگ «دسترسی به حمل‌ونقل عمومی» امتیاز/رتبه بالاتری کسب کند، در حالی که هم‌زمان برخی شاخص‌های مرتبط با پارکینگ، تداخل سواره و پیاده و ازدحام، نقاط مسئله‌دار باقی می‌مانند. در مؤلفه اجتماعی، شاخص‌هایی مانند حس تعلق و هویت مکانی از نظر اهمیت ادراک شده جایگاه بالایی دارند و در مؤلفه‌های محیطی و زیست‌محیطی، کیفیت نگهداشت، نظم محیطی و مدیریت پسماند/آب‌های سطحی نقش تعیین‌کننده در کاهش یا افزایش رضایت کاربران دارد. همچنین تحلیل کیفی خبرگان نشان داد تأکید مفهومی بر ابعاد ادراکی و اجتماعی در تبیین کیفیت زندگی برجسته است.

براساس ادغام یافته‌های کمی (پرسشنامه، ۵۴ مورد) و کیفی (مصاحبه خبرگان، ۱۵ مورد)، چارچوب نهایی کیفیت زندگی در میدان تجریش در قالب شش مؤلفه محیطی، زیست‌محیطی، حمل‌ونقل، اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی صورت‌بندی شد. نتایج نشان می‌دهد کیفیت زندگی در این محدوده بیش از آنکه صرفاً تابع سرانه‌ها و شرایط عینی باشد، به‌طور معناداری به ادراک کاربران از نظم محیطی، آسایش، امکان حرکت پیاده، امنیت و حس تعلق وابسته است. از این‌رو، شکاف میان «وضعیت عینی مشاهده‌شده» و «برداشت ذهنی کاربران» در برخی مؤلفه‌ها (به‌ویژه زیست‌محیطی و محیطی) می‌تواند توضیح‌دهنده بخشی از امتیازها و رتبه‌ها باشد.

تفاوت ابعاد کیفیت زندگی از نظر مردم و مسئولین



نمودار ۱۱: تفاوت ابعاد کیفیت زندگی از نظر مردم و مسئولین



دلالت‌های اجرایی و پیشنهادهاى بهبود

منابع

- براساس نتایج پژوهش، مداخلات پیشنهادی برای ارتقای کیفیت زندگی در میدان تجریش باید به صورت هم‌زمان دو سطح را پوشش دهد:
- سطح کالبدی- مدیریتی (قابل مداخله کوتاه‌مدت): بهبود کیفیت کفسازی و مسیر پیاده، ساماندهی مبلمان و عناصر مزاحم، تقویت مدیریت پسماند و آب‌های سطحی، کاهش نقاط گره‌ای ازدحام و ارتقای خوانایی مسیرها و فضاهای مکث.
- سطح ادراکی- اجتماعی (نیازمند برنامه‌ریزی میان‌مدت): تقویت حس تعلق و هویت مکانی از طریق ساماندهی جداره‌ها و نشانه‌های شهری، افزایش فرصت‌های مکث و تعامل اجتماعی، افزایش احساس امنیت و همه‌شمولی فضا (به‌ویژه برای گروه‌های حساس) و مدیریت رویدادها/ جمعیت در زمان‌های اوج.
- با توجه به یافته‌ها، پیشنهادهاى اجرایی در دو سطح ارائه می‌شود:
۱. اقدامات کوتاه‌مدت (نگهداشت و ساماندهی): بهبود کفسازی و مسیرهای پیاده، ساماندهی مبلمان و عناصر مزاحم، تقویت مدیریت پسماند و آب‌های سطحی، کاهش نقاط گره‌ای ازدحام و ارتقای خوانایی مسیرها و فضاهای مکث.
 ۲. اقدامات میان‌مدت (کیفیت ادراکی و اجتماعی): تقویت هویت و حس تعلق از طریق ساماندهی جداره‌ها و نشانه‌های شهری، افزایش فضاهای مکث و تعامل اجتماعی، ارتقای احساس امنیت و همه‌شمولی (به‌ویژه برای گروه‌های حساس) و مدیریت رویدادها/ جمعیت در زمان‌های اوج.
- برای تکمیل و تعمیم نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود:
- سنجش کیفیت زندگی در میدان تجریش در دوره‌های زمانی مختلف (فصل‌های سال/روزهای خاص) تکرار شود تا اثر نوسان زمانی و ازدحام بهتر آشکار گردد.
 - مقایسه تطبیقی با چند فضای عمومی مشابه در تهران انجام شود تا «نسبی بودن ادراک کیفیت» در بافت‌های مختلف روشن‌تر گردد.
 - در صورت امکان، در پژوهش‌های آینده از روش‌های پیشرفته‌تر تحلیل (مانند مدل‌های علی/اگرسیون/SEM) برای بررسی روابط بین مؤلفه‌ها استفاده شود؛ مشروط بر اینکه داده و طراحی پژوهش متناسب با آن فراهم گردد.

- Abutabenjeh.Sawsan, and Raed Jaradat. "Clarification of Research Design, Research Methods, and Research Methodology: A Guide for Public Administration Researchers and Practitioners." SAGE (2018): 1-22.
- Carmona, M. Public Places Urban Spaces. Routledge. (2021)
- C.R., kothari. "Research Methodology.Methods & Techniques." (2004.)
- Erciyes, Erdem. "Paradigms of Inquiry in the Qualitative Research." European Scientific (2020.)
- Hancock, Dawson R., and Robert Algozzine. "Doing Case Study Research." (2006.)
- John, Ormerod.Richard. "Pragmatism in Professional Practice." Systems Research and Behavioral Science (2020).
- Kankam.Philip, Kwaku. "Library and Information Science Research." ELSEVIER 41 (2019): 85-92.
- Prahmana*.Rully, Charitas Indra. "The Role of Research-Based Learning to Enhance Students' Research and Academic Writing Skills." Education and Learning 11(3) (2017): 351-66.
- A furnham و M Avison. (1997). Personality and preference for surreal paintings. . Personality and Individual Differences.923-935 ،
- B.S Jorgensen و R Stedman. (2001). Sense of place as an attitude: Lakeshore Property owners attitudes toward their properties. Journal of Environmental Psychology.233-248 ،
- C Burt. (1933). The psychology of art in how the mind works. London: Allen and Unwin.
- D. R. Williams ،B. S. Anderson و C. D. McDonald. (1995). Measuring place attachment: More preliminary results. NRPA leisure research symposium San Antonio, 4-8 ،
- M Arefi. (1999). Non place and placelessness as narratives of loss . Journal of urban design.179-193 ،
- N Ujang. (2012). place attachment and community of urban place identity. Social and behavioral Sciences.56-64 ،
- P Gustafson. (2006). Place Attachment and Mobility. CAB international.17-33 ،
- PJ Rentrow ،LR Goldberg و DJ Levitin. (2011). The structure of musical preferences: a five-factor model. Pers Soc Psychol.
- S Shamai و Z Ilatov. (1996). Measuring Sense of place: Methodological aspects. Tijdschrift voor Economishe en sociale Geografie.467-476 ،

- ادوارد رلف. (۱۳۹۷). مکان و بی‌مکانی. (محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری و زهیر متکی، مترجمون) تهران: آرمانشهر.
- افشین متقی و مسلم نامداززاده. (۱۳۹۹). نسبت هویت مکان با کنش‌های تقسیمات سیاسی در فضا (مطالعه موردی: شهرستان کازرون). فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷۷-۹۰.
- بهادر زمانی، محمود قلعه‌نویی و سپیده پیمانفر. (۱۳۹۶). بازشناسی مؤلفه‌های سکونتگاه (مطالعه موردی: محله مجمر اصفهان). مسکن و محیط روستا، ۱۱۷-۱۳۰.
- بهزاد وثیق و عطالله یاری کیا. (۱۳۹۸). تبیین عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در بناهای امامزاده‌ها (امامزاده سید حسن (ع) و علی صالح (ع)). فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳۷-۵۲.
- جهان‌شاه پاکزاد و حمیدرضا خانکه و سارا دادپور (۱۳۹۶) کاربرد چارچوب اسپنسر برای سنجش کیفیت تحقیقات کیفی در طراحی شهری. پنجمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری. تهران
- پاول تایگر و باربارا تایگر. (۱۳۸۸). شغل مناسب شما. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- پاول تایگر و باربارا تایگر. (۱۳۹۲). تکنیک‌های شخصیت خوانی، راهی برای ارتباط مؤثر. (مهدی قره چه داغی و حسین رحیم منفرد، مترجمون) تهران: انتشارات پیک بهار.
- جان لنگ. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری- نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. (علیرضا عینی فر، مترجمون) تهران: دانشگاه تهران.
- جواد فقیهی‌پور و سارا حسینی‌آرانی. (۱۳۹۹). تیپ‌شناسی MBTI = Myers-briggs type indicator. تهران: انتشارات دارالفنون.
- رنی بارون. (۱۳۸۷). تیپ شخصیتی من کدام است؟ تهران: انتشارات پوینده.
- سعید شاملو. (۱۳۸۲). مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: رشد.
- سید فرید جعفری و منوچهر فروتن. (۱۳۹۴). ارزیابی دلبستگی به مکان: تبیین عوامل و شاخص‌ها. مطالعات محیطی هفت حصار، ۶۳-۷۶.
- شهرام پوردیهیمی. (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا، ۳-۱۸.
- شیما شکبیا. (۱۳۸۴). بررسی رابط تیپ شخصیت و هوش هیجانی در رضایت شغلی کارمندان علوم پزشکی ایران. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی.
- طاهرطلوع دل، م. مهدی نژاد، ج. و سادات، س. (۱۳۹۹). تأثیر مؤلفه‌های معنایی، رفتاری و کالبدی حس مکان در رضایتمندی سکونتی. فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار، ۱۶۵-۱۸۲.
- عقیل امامقلی، سیمون آیوزیان و سید غلامرضا اسلامی. (۱۳۹۱). روانشناسی محیطی، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری. فصلنامه علوم رفتاری، ۲۳-۴۴.
- علی نمازیان. (۱۳۷۹). نیازهای روانی در رابطه با محیط مصنوع. صفه، ۷۴-۸۱.
- فرح حبیب و دانش پایه نثار. (۱۳۹۶). معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید شهری (نمونه
- مطالعه: منطقه ۲۲ و ۴ شهرداری تهران). فصلنامه مطالعات شهری، ۱۷-۳۰.
- کریستوفر الکساندر. (۱۳۸۱). معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کریستین نوربرگ شولتز. (۱۳۵۳). هستی، فضا و زمان. (محمدحسن حافظی، مترجمون) تهران: انتشارات تهران.
- کریستین نوربرگ شولتز. (۱۳۸۲). گزینه‌ای از معماری- معنا و مکان. (ویدا نوروز برازجانی، مترجمون) تهران: انتشارات جان جهان.
- کلر کوپر مارکوس. (۱۳۸۳). خانه: نماد خویشتن. (احمد عقیلان، المحرر) فصلنامه فرهنگستان هنر، ۵-۹.
- کوروش گلکار. (۱۳۹۰). آفرینش مکان پایدار: تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- متیو کارمونا، استیون تیسدل و تیم هیت. (۱۳۹۴). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری. (اسماعیل صالحی، مهشید شکوهی، فریبا قرایی و زهرا اهری، مترجمون) تهران: دانشگاه هنر تهران.
- محمدجواد ثقفی و فاطمه طاهری سیاح. (۱۳۹۶). بررسی شیوه استفاده از شخصیت‌شناسی و ویژگی‌های شخصیتی کاربر فضا در طراحی مسکن. نشریه هنرهای زیبا، ۷۵-۸۸.
- محمدتقی رهنمایی و یوسف اشرفی. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری. جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، ۲۳-۴۵.
- محمدحسین عابدی و پروانه جودی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر روانشناسی محیطی در فضاهای آموزشی و معماری. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
- محمدرضا پورجعفر، محمدسعید ایزدی و سمانه خبیری. (۱۳۹۲). دلبستگی مکانی؛ بازشناسی مفهوم، اصول و معیارها. هویت شهر، ۴۳-۵۴.
- معصومه قیمتی، ایرج اعتصام و علی علایی. (۱۳۹۹). بررسی نقش دلبستگی مکان در شکل‌گیری هویت مکانی نوین، بر پایه پیمایش ظرفیت انطباقی شهروندان از نماهای مسکونی شهری مدرن در منطقه یک شهر تهران. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۳۰۸-۳۲۱.
- ملیحه مقصودی و سیدمحسن حبیبی (۱۳۸۲) مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعه‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
- مهندسین مشاور بافت شهر. (۱۳۸۲). طرح تفصیلی منطقه یک تهران (ویرایش نهایی). تهران: شهرداری تهران.
- میمند محمودی، حمیدرضا وزیرجانی و مریم خلیلی یادگاری. (۱۳۹۱). ابعاد شخصیتی تست مایز-بریگز (MBTI) و تمایل خرید مشتریان. تحقیقات بازاریابی نوین، ۱۵۱-۱۶۵.
- نادیه ایمانی و سویل ظفرمندی. (۱۳۹۶). مبادی سلیقه در معماری. باغ نظر، ۳۳-۴۲.